

درس سیصد و هشتاد و چهارم: صوت ۴۰۶

بررسی اقوال درباره انتفاء یا عدم انتفاء علم اجمالی با

طرق اضطرار (3)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطلبی مرحوم آخوند در باب عدم وجوب احتیاط در صورت تعلق اضطرار به یکی از اطراف علم اجمالی فرمودند عرض شد و اشکالی خود ایشان نسبت به این مسئله به نظرشان رسیده بود که این اشکال را مطرح کردند و ظاهراً هم این مسئله در حاشیه ایشان بر رسائل مطرح شده است؛ در تفصیلی که مرحوم شیخ راجع به اطراف علم اجمالی در تعلق اضطرار به معین یا غیر معین و کیفیت اضطرار مقارن با علم اجمالی یا بعد از علم اجمالی دارد، در آنجا مرحوم آخوند این مطلب را می فرماید و همان طوری که عرض شد آن مطلب عبارت از این است که در صورتی علم اجمالی منحل می شود که اضطرار به امر معین تعلق گرفته باشد. در اینجا از باب عدم امکان جمع بین حکمین متضادین یا متناقضین علم اجمالی منحل و اضطرار، آن اصل و تنجز علم اجمالی را از بین می برد، گرچه علم اجمالی به جای خودش باقی است ولی علم اجمالی دیگر در اینجا منجز نیست، زیرا حکم به تنجز علم اجمالی یا شرعی است و یا عقلی است؛ اگر شرعی باشد، حکم شارع به حکومت اضطرار موجب الغاء اثر علم اجمالی است که عبارت از وجوب احتیاط است و اگر عقلی باشد عقل اجتماع حکمین متضادین را ممتنع و مستحیل می داند که یکی اباحه یا وجوب در صورت اضطرار و ابتلاء به اضطرار و دیگری آن تنجز علم اجمالی باشد که موجب احتیاط است. این مفاد کلام مرحوم آخوند بود.

اما اینکه ایشان می فرمایند که چنانچه اضطرار به امر غیر معین تدریجی تعلق بگیرد - غیر معین است و تدریجی الحصول است - فرض کنید صوم یوم الخميس و یوم الجمعة و عدم وجوبه أو حرمة فی أحدهما خب در این صورت مسئله تفاوت می کند و همین طور در صورتی که اضطرار به بعد از طرؤ علم اجمالی تعلق بگیرد که در آنجا - در عدم وجوب احتیاط - مرحوم آخوند قائل به اشکال بودند. نظر ایشان در این اشکال مترتب بر بقاء علم اجمالی است زیرا طرفین علم اجمالی بالنسبه به خود تعلق علم اجمالی متساوین هستند و مکلف قبل از اختیار أحد الطرفين خود را در انتخاب طرفین مختار می بیند که آیا این إناء را تناول بکند یا آن إناء را یا صوم یوم الخميس را اتیان بکند یا صوم یوم الجمعة را به جا بیاورد.

بنابراین این علم اجمالی از نقطه نظر تعلق به طرفین تفاوتی نمی کند؛ یعنی چنانچه می تواند به یوم الجمعة تعلق بگیرد می تواند به یوم الخميس تعلق بگیرد و همچنان که می تواند به یوم الخميس تعلق بگیرد، به همین نحو می تواند به یوم الجمعة تعلق بگیرد.

کلام مرحوم آخوند در باب اضطرار بأحدهما علی سبیل البدلیة

بناءً علی هذا نفس خود علم اجمالی که منشأ برای تنجز است به جای خودش تکویناً باقی است، اضطراری

که منافی با تنجّز علم اجمالی است آن اضطرار نمی تواند موجب خروج یکی از اطرافی بشود که مقتضای آن انحلال اجمالی و تبدل امر به شبهه بدوی باشد. بله، موجب خروج یکی از اطراف هست اما نه هر اطرافی بلکه یکی از اطرافی که خروج او موجب انحلال علم اجمالی بشود و تبدل آن به شبهه بدویه در صورتی است که أحد معین باشد، وقتی که أحد معین شد این أحد معین نسبت به آن تعلق حکم به ورود یا حکومت اضطرار از اطراف علم اجمالی خارج می شود اما اگر أحد غیر متعین و **علی سبیل البدلیة** بود؛ **إمّا يوم الخميس أو يوم الجمعة**، این **إمّا يوم الخميس أو يوم الجمعة** هر کدام از این دو را از قابلیت برای اشتغال علم اجمالی خارج نمی کند، این طور نیست که اضطرار بیاید به یکی تعلق بگیرد و او را خارج و منتفی کند. نه، صوم **يوم الخميس أو يوم الجمعة**، **أحدهما** با اضطرار از تحت علم اجمالی خارج می شود. اینکه می خواهد از تحت علم اجمالی خارج بشود قابلیت دخولش را در تحت علم اجمالی دارد ولی در عین حال مکلف او را خارج می کند و این با معین فرق می کند که قابلیت دخول در تحت علم اجمالی را ازدست می دهد.

در واحد معین صوم يوم الخميس قابلیت برای دخول در تحت اجتماع را ندارد فرض کنید يوم الخميس روز عید اضحی در می آید. تصور مکلف بر این است که جمعه آخر ماه است یا آخر ماه نیست و نذر می کند که آخر ماه را روزه بگیرد **إمّا يوم الخميس أو يوم الجمعة** یک مرتبه متوجه می شود یک روز ماه زودتر دیده شده و يوم الجمعة را باید افطار کند و روزه گرفتن در آن روز حرام است. حالا نمی داند که آیا آن علم اجمالی به اینکه تاریخ را مشخص نکرده که يوم الخميس است یا يوم الجمعة - اگر يوم الجمعة بود که به طور کلی منتفی می شود - و در يوم الخميس یا يوم الجمعة شک دارد خب در این صورت طبعاً چون يوم الجمعة منجّز می شود این از تحت علم اجمالی خارج می شود و يوم الخميس شبهه بدوی می شود.

مرحوم آخوند می گویند که قابلیت برای شمول در تحت اجمالی را در صورت معین بودن ازدست می دهد و دیگر قابل برای شمول نیست ولی در اشتغال بر سبیل بدلیت این طور نیست. مثلاً طیب به او گفته است که يوم الخميس یا يوم الجمعة باید روزه را بخوری و در هفته دو روز را نباید روزه بگیری، برای معده شما یا برای کلیه شما ضرر دارد! هفته ای یک روز باید روزه بگیرد که یا يوم الخميس می شود یا يوم الجمعة، حالا این مسافرت واجب دارد که آن مسافرت منافی با روزه است - البته در نذر اشکال ندارد - فرض کنید در مسافرت نمی تواند روزه بگیرد و مضطر به افطار هست یا اینکه مریض می شود و نمی تواند روزه بگیرد، در اینجا مرحوم آخوند می فرماید که گرچه اضطرار **بأحدهما علی سبیل البدلیة** تعلق گرفته است ولی آیا قابلیت **أحدهما** را برای شمول در تحت علم اجمالی از بین برده است و منتفی کرده است؟! می بینیم نکرده است و باز می شود به جای يوم الخميس، يوم الجمعة را روزه بگیرد و این در اختیار خودش هست پس يوم الخميس می تواند در تحت علم اجمالی قرار بگیرد.

تفاوت قابلیت تقدیریه و قابلیت فعلیه

نقل کلام در يوم الجمعة می‌کنیم بنابراین از تحت علم اجمالی خارج شده است؟! نه، می‌تواند يوم الجمعة را بگیرد و يوم الخميس را افطار کند! يوم الجمعة هم قابلیت را دارد. پس این قابلیت تقدیریه نه قابلیت فعلیه - قابلیت فعلیه در آنجایی بود که محذوری برای صوم یومین نداشته باشد، در آنجا حکم فعلی می‌شود ولی قابلیت تقدیریه برای اشمال علم اجمالی در اینجا باقی است - از این قابلیت تقدیریه أحدهما که مختار اوست خارج می‌شود و **يَبْقَى الباقي** در تحت همان قابلیت تقدیریه خودش، وقتی که قابلیت تقدیری باشد در آنجا علم اجمالی باز تنجز خودش را نسبت به طرف دیگر پیدا می‌کند. این مفاد بیان مرحوم آخوند بود به اضافاتی.

اشکالی که بر این مسئله شده این است که این قابلیت تقدیریه درست است اما تا وقتی است که مکلف یکی از طرفین را اختیار نکرده است اما اگر مکلف افطار يوم الخميس را اختیار کرد یعنی به اختیار خودش يوم الخميس را افطار کرد، اولین افطاری که می‌کند و لقمه‌ای را که به دهان می‌گذارد این را معین می‌کند و دیگر در تعلیق و بدلیت **إلى يوم القيامة** باقی نمی‌ماند. فرض کنید که این لیوان پر از خمر است و **لا تشرب الخمر** شامل این إناء شد، لازم نیست شما تا آخرش را میل بفرمایید! نه خیر، بلکه همان جرعه اول خمری که تناول شد **يُعَدُّ عاصياً**، این **يُعَدُّ عاصياً** به اولین جرعه است حالا اگر جرعه دوم را خوردی کتک بیشتری می‌خوری! هرچه بیشتر خوردی کتک بیشتر می‌شود و در آن حرفی نیست اما اطلاق شارب خمر به اولین جرعه برای شخص حاصل می‌شود! اگر بیشتر بخورد خب فرق می‌کند؛ کسی که یک جرعه بخورد یا بیشتر باهم تفاوت دارد، آثارش هم فرق می‌کند، اگر خیلی بخورد دیگر ملکوتی و چپروتی می‌شود!

پس ائصاف به شاریت با اولین جرعه حاصل می‌شود و **يُعَدُّ فاسقاً و يَخْرُجُ بِهِ عَنِ الْعَدَالَةِ**! این آثاری است که بر آن بار می‌شود. گرچه صوم يوم الخميس و يوم الجمعة قابلیت برای آن شمول علم اجمالی را دارد ولی وقتی مکلف گفت که من افطار يوم الخميس را انتخاب کردم دیگر معین می‌شود، چه فرقی می‌کند؟! خروج فعلی يوم الخميس از تحت علم اجمالی با اضطرار به معین چه فرقی می‌کند؟! صحبت در این است که آیا شارع بر این اختیار امروز حکم به جواز کرده یا نکرده است؟ اگر بگویید که حکم به جواز نکرد بنابراین اضطرار نیست و اگر حکم به جواز کرد - جواز تناول و جواز افطار يوم الخميس - پس چه فرقی با معین دارد؟! هردو یک حکم دارد و این اجتماع امرین متضادین و حکم متضادین **فی مورد واحد** است. وقتی شارع گفت: این، به مجرد افطار **خرج يوم الخميس من تحت علمه** تمام شد و دیگر بیرون رفت ولو اینکه تا شب هم هیچ نخورد. ولی همین که بعد از اذان صبح آمد یک جرعه آب خورد امروز باطل شد يوم الخميس باطل شد خب چه يوم الخميس به امر تعیینی شارع از تحت علم اجمالی خارج بشود و چه به اختیار خودش از تحت اجمالی

خارج شود بالأخره الآن يوم الخميس خارج می شود، لذا این اشکال بر مرحوم آخوند وارد است و نمی توانیم از این صرف نظر کنیم.

مرحوم آخوند در کفایه فرمودند که فرقی در معین و غیر معین ندارد و فرقی در اضطرار مقارن با علم اجمالی و اضطرار بعد طرّو علم اجمالی [با] اضطرار طاری بر علم اجمالی ندارد اگر بر این مبنای خود هستند خب این یک مطلبی است اما اگر قائل به این حاشیه همان طور که در حاشیه رسائل دارند هستند اشکالی از این نظر بر مبنا وارد می شود. این اشکال تمام شد.

حالا خود کلام مرحوم آخوند و فرقی را که ایشان نسبت به وجود اضطرار و فرقی که با خروج تکوینی گذاشتند و فرمودند: در صورتی که اضطرار حاصل بشود در اینجا موجب احتیاط نخواهد بود **يَنْحُلُّ الْعِلْمُ الْإِجْمَالِي وَ يَتَبَدَّلُ بِالشَّبْهِةِ الْبَدْوِيَّةِ** اما اگر احد از اطراف به خروج تکوینی خارج شد فرض کنید اهراق بشود و به طور کلی امحاء در اینجا حاصل بشود در اینجا علم اجمالی به قوّت خودش باقی است و آن استعداد و قدرت تکوینی را برای خودش دارد. در اینجا قائل به وجوب به احتیاط شدند.^۱

اللهم صل على محمد و آل محمد

^۱ . كفاية الأصول، (تعليقه زارعی سبزواری)، ج ۳، ص ۱۰۴.